

پروفیسور سید حمید مولانا



سید حمید مولانا در ۶ اسفند ۱۳۱۵ در تبریز متولد شد. او در شهریور ۱۳۲۰ و در حدود پنج سالگی خود شاهد اشغال ایران توسط نیروهای خارجی شد و اولین دیدگاه‌های خود را در امور ملی و بین‌المللی شکل داد: «غم انگیزترین روزهای من در تبریز حمله متفقین در جنگ جهانی دوم به ایران و اشغال تبریز توسط قوای شوروی بود»؛ بعد از فروکش کردن جنگ جهانی دوم، امتناع روس‌ها از اجرای پروتکل‌های بین‌المللی مبنی بر ترک ایران، باعث بوجود آمدن حزب دموکرات آذربایجان به رهبری پیشه‌وری شد...

سید حمید مولانا در ۶ اسفند ۱۳۱۵ در تبریز متولد شد. او در شهریور ۱۳۲۰ و در حدود پنج سالگی خود شاهد اشغال ایران توسط نیروهای خارجی شد و اولین دیدگاه‌های خود را در امور ملی و بین‌المللی شکل داد: «غم انگیزترین روزهای من در تبریز حمله متفقین در جنگ جهانی دوم به ایران و اشغال تبریز توسط قوای شوروی بود»؛ بعد از فروکش کردن جنگ جهانی دوم، امتناع روس‌ها از اجرای پروتکل‌های بین‌المللی مبنی بر ترک ایران، باعث بوجود آمدن حزب دموکرات آذربایجان به رهبری پیشه‌وری شد. در این جریان‌ها بود که سید حمید با وجود کوچکی سن خود شکاف بین جامعه مدنی آن روز و دولت و بروکراسی را به طور ملموس دیده و به گفته خود: «به این پدیده ناموزون و نظریه پرداز آن علاقه فوق‌العاده پیدا نمودم». او در سن ۱۹ سالگی، پدر و مادر خود را در یک حادثه رانندگی از دست می‌دهد. خود مختارها مدتی بعد پدر سید حمید را به طور موقت بازداشت می‌کنند و پس از مدتی، به دلیل افزایش فشارها علیه خاندان مولانا، این خاندان به تهران هجرت می‌نمایند.

تحصیلات

کلاس اول تا سوم ابتدایی را در دبستان سعدی در تبریز و کلاس چهارم را در دبیرستان رضوی تهران و پنجم ابتدایی تا هشتم متوسطه را در دبستان و دبیرستان تعلیمات اسلامی جعفری در تهران خواند. سید حمید با گرفتن مدرک سیکل، رشته طبیعی را انتخاب کرد و وارد دبیرستان مروی تهران شد. در سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۴ که هم‌زمان با نهضت ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد بود، عقاید غربی به طرفداری از دو قطب غرب و شرق، کمونیسم و سوسیالیسم و لیبرالیسم و کاپیتالیسم با شدت تمام تبلیغ می‌شد و جوانان هر یک طرفدار ایده‌های گشته و با آن شناخته می‌شدند؛ اما سید حمید اینگونه عمل می‌کرد: «من به هر دو گروه انتقاد داشتم و انقلاب اصیل را در هیچ یک از مکتب‌ها نمی‌دیدم و همیشه در بحث و صحبت خود آرزو داشتم که روزی یک خیزش و جهش اصیل و یک انقلاب اسلامی و مستقل از این دو قطب، عالمگیر شده و ایران را نیز دربر گیرد».

گرایش به معارف اسلامی و حوزه

او در دوران دبیرستان، با مدرسه مروی نیز در ارتباط بوده و پای بعضی از سخنرانی‌های مرتضی مطهری در آنجا نشست. نیز قبل از رفتن از تهران با وجود کم بودن سنش، چندین بار اجازه حضور در دروس بزرگان حوزه علمیه قم از جمله آیت‌الله العظمی بروجردی را پیدا کرد و آیت‌الله خمینی را هم برای اولین بار، در قم دید.

هم اکنون نیز او در مساجد مراکز اسلامی حومه واشنگتن شرکت و بارها به دعوت مراکز اسلامی و تشکل‌های مسلمانان در مساجد و دانشگاه‌های شهرهایی مثل لندن، منچستر، هامبورگ، بارسلون، الجزیره و قاهره سخنرانی کرده‌اند.

روزنامه نگاری و عزیمت به آمریکا

در مدتی که در تهران بود اغلب اوقات فراغت خود را به مطالعه کتاب و روزنامه‌های قدیمی در کتابخانه مجلس اختصاص می‌داد و حتی در بسیاری از جلسات دوره‌های شانزدهم و هفدهم آن زمان مجلس به عنوان نظاره‌گر در مذاکرات پرنجال آنروز حضور داشته و یادداشت برداری می‌کرد و این امور تأثیر بسزایی در آشنایی وی با مسایل جدید داشتند.

آغاز فعالیت‌های مطبوعاتی سید حمید مولانا، نویسنده‌گی روزنامه «دانش آموزان» بود که برای محصلان دبیرستان‌های آن دوران منتشر می‌شد؛ زمانی که در سن ۱۹ سالگی مشغول فراگرفتن دروس اقتصاد در دانشگاه تهران بود، از کیهان به او پیشنهاد کار شد و به عنوان سردبیر نشریه جدیدالتأسیس «کیهان فرهنگی» مشغول کار شد؛ یک سال بعد در سال ۱۳۳۵ به کیهان روزانه منتقل شده و عهده دار صفحه اقتصادی این روزنامه شد. چاپ مقالات مولانا در مطبوعات آنروز قبل از عزیمتش به آمریکا، باعث شد که چندین بار توسط دادستان نظامی وقت مورد تفتیش و بازرسی قرار گیرد.

ایشان هم اینک به عنوان رئیس دانشگاه پن امریکن کشور آمریکا مشغول به فعالیت می‌باشد.

al-shia.com